



افسانه‌هایی پراز تخیل ناب کودکی

گفت‌وگو با محمد رضا شمس، دربارهٔ مجموعهٔ پهلوان پشه

محمد رضا شمس، متولد سال ۱۳۴۶، در تهران است. نخستین کتاب این نویسنده با عنوان «اگر این چوب مال من بود»، در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» به چاپ رسید. بعدها با انتشارات «سروش»، «امیرکبیر»، «مدرسه»، «قدیانی»، «افق»، «پیدایش»، «محراب قلم»، «به‌نشر» و «شباویز» همکاری کرد که حاصل این همکاری چاپ بیش از ۳۰ عنوان کتاب بوده است. از آثار او می‌توان به «من و زن‌بابا و دماغ بابام»، «قصه‌های سر و ته»، «دیوانه و چاه»، «بادکنک و اسب آبی» و «صبحانه‌های خیال» اشاره کرد. شمس تاکنون جایزه‌های بسیاری، همچون «قلم زرین جشنوارهٔ مطبوعات ارشاد»، «لوح زرین جشنوارهٔ مطبوعات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، «کتاب سال شورای کتاب کودک»، و «جایزهٔ چهارمین فستیوال عروسکی» برای نمایش «لی لی حوضک» را از آن خود کرده است. قرار گرفتن مجموعه پهلوان پشه در فهرست کتاب‌های مناسب سال ۱۳۹۷ بهانه‌ای برای این گفت‌وگوست.

آن‌ها را دوست دارند. افسانه‌ها گنجینه‌های غنی هستند که نسل به نسل به ما رسیده‌اند. وظیفهٔ ماست که آن‌ها را حفظ کنیم و به نسل بعد بسپاریم. این اتفاق در تمام دنیا می‌افتد. بزرگ‌ترین شاهکارهای دنیا براساس افسانه‌ها شکل گرفته‌اند. بزرگ‌ترین نویسندگان از افسانه‌ها الهام گرفته‌اند. فیلم‌ها و کارتون‌های زیادی براساس آن‌ها ساخته شده‌اند. تمام این‌ها از اهمیت افسانه‌ها حکایت دارند. به همین دلیل است که من به آن‌ها پرداخته‌ام.

■ وقتی در سال‌های ۱۳۹۷ یا ۱۳۹۸، کسی مانند شما به بازنویسی افسانه‌ها مبادرت می‌کند، حتماً در این بازنویسی به مسائل روز بچه‌ها و جامعه توجه دارد. شما در این بازنویسی‌ها نسبت به کدام دغدغه‌ها حساسیت

■ شما مجموعه‌های دیگری از افسانه‌ها را قبلاً منتشر کرده‌اید. مجموعهٔ سه جلدی «پهلوان پشه» از جدیدترین این مجموعه‌هاست. اگر بخواهید آن را به خوانندگان معرفی کنید، چه می‌فرمایید؟

این مجموعه براساس افسانهٔ «حسن کچل» نوشته شده. حسن در این مجموعه هم تنبل است، هم قهرمان. هم ساده است هم زبر و زرنگ. او قلبی صاف و مهربان دارد و به مردم و حیوانات کمک می‌کند و به همین خاطر است که در مقابله با دشمن پیروز می‌شود.

■ توجه خاص شما به بازنویسی افسانه‌ها، در این سال‌های اخیر، به‌خصوص روی مخاطب کودک و نوجوان چه تأثیری دارد؟

افسانه‌ها به کودکی بشر تعلق دارند، برای همین است کودکان

بیشتری داشته‌اید؟ این دغدغه‌ها چه اثری روی کار نوشته شده داشته‌اند؟

بزرگ‌ترین دغدغه من کودکی کودکان است که دارد فراموش می‌شود و از بین می‌رود. شادی و بازی از کودکان گرفته شده، تخیل شگرف کودکان با محبوس شدن در آپارتمان، بازی‌های رایانه‌ای و برنامه‌های تلویزیونی، محدود و محدودتر شده، و غرق شدن در کتاب‌های کمک‌درسی و دغدغه دکتر و مهندس شدن و رفتن به دانشگاه، طول دوره کودکی را کوتاه و کوتاه‌تر کرده است. افسانه‌ها شاد و مهیج هستند. پر از تخیل ناب‌اند. پایان خوش دارند، امید را در بچه‌ها زنده می‌کنند و در یک کلام کمک می‌کنند دوران کودکی آن‌ها طولانی‌تر شود.

به جرئت می‌توانم بگویم، یکی از مهم‌ترین دلایل عقب ماندن کشورهای جهان سومی، کودکی نکردن کودکانشان است.

■ در این بازنویسی‌ها، نقش داستان اصلی چقدر است و تا چه اندازه باید به محور اصلی داستان و افسانه وفادار بمانیم؟

ما هم بازنویسی داریم، هم بازآفرینی. بازنویسی قابل خوانش کردن یک اثر برای مخاطب خاص آن است، بدون آنکه به کلیت آن خدشه‌ای وارد شود. بازآفرینی اما از این قاعده مستثناست. در بازآفرینی شما می‌توانید اثر را دوباره و با شکلی تازه بیافرینید. در این روش، شما بن‌مایه‌های اثر را می‌گیرید و اثری تازه خلق می‌کنید؛ اثری تازه و متفاوت که برگرفته از آن اثر است و از آن اثر زاده شده است. «پهلوان پشه» بازآفرینی افسانه حسن کچل است که از یک قصه کوتاه به یک رمان سه جلدی تبدیل شده است. بازنویسی ساده آن نیست. تغییرات زیادی در آن داده شده است و شخصیت‌ها و ماجراهای زیادی به آن اضافه شده‌اند. با تمام این‌ها، وقتی شما آن را می‌خوانید، فوری به یاد قصه حسن کچل می‌افتید.

■ سفارش مهم و عملی شما به نویسندگان جوان‌تر در دو بخش انتخاب و بازنویسی افسانه‌ها یا قصه‌های قدیم چیست؟

باید شناخت کافی داشته باشند. باید ادبیات شفاهی را بشناسند. روایت‌های مختلف افسانه‌ها را بخوانند و معتبرترین آن‌ها را انتخاب کنند. باید اصول و قواعد بازنویسی و بازآفرینی را بلد باشند، و از همه مهم‌تر، به زبان تسلط داشته باشند.

■ نویسندگان معمولاً به جز آثار منتشر شده، همیشه آثار تازه‌ای در دست تهیه دارند. ان‌شاءالله در آینده نزدیک شاهد انتشار چه اثر یا آثاری از شما خواهیم بود؟

دو مجموعه در دست چاپ دارم: یکی، «بیس بیس امیتیس» است که مجموعه‌ای چهارجلدی است و قرار است «افق» آن را چاپ کند. دومی «سیب و جیب» است که کانون پرورش فکری چاپ آن را به عهده گرفته است. یک مجموعه هم به نام «اسی اسکیمو» دارم که قرار است در «انتشارات مدرسه» به چاپ برسد.

■ برای اینکه کودکان بیشتر کتاب بخوانند، چه راهکارهایی را برای بهتر نوشتن کتاب‌های داستان پیشنهاد می‌کنید؟

قبل از هر چیز، کتاب باید یک قصه پرکشش و سرگرم‌کننده داشته باشد. خیلی از نویسندگان به دنبال آموزش دادن به مخاطب هستند. این اشتباه بزرگی است که نویسندگان ما مرتکب می‌شوند. وظیفه نویسنده آموزش دادن نیست. آموزش وظیفه آموزش‌وپرورش است. نویسنده باید قصه‌ای بنویسد که مخاطب را جذب و سرگرم کند. لذت خواندن را به او بچشاند. او را به کتاب علاقه‌مند کند. نه آنکه بیزارش کند.

یکی از دلایل پایین آمدن شمارگان کتاب‌ها همین است. مخاطب صبح تا شب از بزرگ‌ترها پند و اندرز می‌شنود و در مدرسه هم به او آموزش می‌دهند. اگر قرار باشد کتاب‌های داستان هم همین بلا را سرش بیآورند، معلوم است که به سراغشان نمی‌رود. من مخالف آموزش و دادن پیام‌های اخلاقی نیستم، به شرطی که غیرمستقیم باشد و به ادبیات کار لطمه نزند. با این همه، به اعتقاد من اولویت با سرگرم کردن است.

تصویرهای کتاب هم باید جذاب باشند. تصویرگر باید با تصویرهای جذاب و خلاقش، نانوشته‌های کتاب را به تصویر بکشد و آن را کامل کند. در کنار این‌ها نقش ناشر نباید نادیده گرفته شود. ناشر با کتاب‌سازی خوب و استفاده از حروف‌چینی و صفحه‌آرایی حرفه‌ای، سهم بزرگی در این چرخه دارد.

این‌طوری است که می‌شود مخاطب را به خواندن کتاب ترغیب کرد.

■ چقدر با این گفته موافقت می‌کنید که بازنویسی‌های ارائه شده در سالیان اخیر، به جز برخی استثناها، غالباً کشف، لذت و حتی حس‌های تازه‌ای به آثار قدیمی نیفزوده‌اند؟

کاملاً با آن موافق هستم. بازنویسی اصول و قواعدی دارد که رعایت نمی‌شود. یک فن است. ساده‌نویسی صرف نیست، شناخت لازم دارد. در این صورت است که بازنویسی یک اثر قابل قبول می‌شود.

■ اگر بخواهید از کتاب خود انتقاد کنید چه نکاتی را بیان می‌کنید؟

نمی‌دانم. اگر یک بار دیگر آن را بخوانم، شاید تغییرات زیادی در آن بدهم. شاید اگر الان بخواهم آن را بنویسم، به شکل دیگری بنویسم. فرایند نوشتن فرایندی شگفت‌انگیز و غیرقابل پیش‌بینی است. تا شما دست به قلم نشوید، نمی‌توانید بگویید که اثرتان چه چیزی از آب در خواهد آمد.

■ در پایان اگر سخنی برای خوانندگان جوانه دارید، بیان بفرمایید.

افسانه‌ها گنجینه شفاهی ما هستند. به آن‌ها اهمیت بدهیم. نباید بگذاریم فراموش شوند. نباید بگذاریم از بین بروند. این‌ها شناسنامه یک مملکت و تاریخ شفاهی ما هستند.

بازنویسی قابل خوانش کردن یک اثر برای مخاطب خاص آن است، بدون آنکه به کلیت آن خدشه‌ای وارد شود؛ اما در بازآفرینی، اثر، دوباره و با شکلی تازه آفریده می‌شود. در این روش، بن‌مایه‌های اثر را می‌گیرید و اثری تازه خلق می‌کنید